



رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای ح. ر. دایر برجعل (سه فقره سند وکالت، به شماره های ۶۲۸۵ مورخه ۵/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران و شماره ۹۰۱۰۴۹ مورخه ۳/۱۲/۹۰ منتسب به دفترخانه ... تهران و شماره ۹۲۴۵۲ مورخه ۶/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران) و انتقال مال غیر (سه دستگاه اتومبیل)، موضوع کیفر خواست شماره ۶۶۰۰۰۰۰۵۰۴۳۰۹۲۱ مورخ ۳۱/۲/۹۲ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک تهران. وکیل شاکی با استناد به چند برگ تصویر مبیعه نامه عادی و بشرح شکوائیه تقدیمی و اظهارات منعکس در صورتجلسه تحقیق و دادرسی، مضموناً بیان داشته «... موکل ایشان تعدادی اتومبیل از اشخاص حقیقی و حقوقی خریداری و آنها را جهت معرفی به مشتریان و خریداران (بازاریابی) در اختیار متهم قرار داده است، ولیکن متهم ضمن خیانت در امانت، با جعل اسناد مبادرت به انتقال اتومبیلها به اشخاص دیگری نموده و بدین نحو مرتکب بزه های مذکور گردیده است...». دادگاه نظر به مراتب و عنایت به تحقیقات معموله و با توجه به اینکه هرچند مطابق پاسخ استعلامات بعمل آمده از دفاتر اسناد رسمی، اسناد وکالتی به شماره های ۶۲۸۵ مورخه ۵/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران و شماره ۹۰۱۰۴۹ مورخه ۳/۱۲/۹۰ منتسب به دفترخانه ... تهران و شماره ۹۲۴۵۲ مورخه ۶/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران که بموجب آنها متهم خود را وکیل مالکین معرفی و مبادرت به انتقال اتومبیلها به غیر نموده، جعلی اعلام گردیده است. ولیکن با توجه به اینکه یکی از شرایط اصلی و بلکه اصلی ترین شرط تحقق بزه انتقال مال، احراز مالکیت مدعی و شاکی می باشد و در مانحن فیه، شاکی در جهت اثبات مالکیت خود صرفاً به چند فقره مبیعه نامه عادی و وکالتنامه رسمی استناد نموده است که اولاً: مبیعه نامه های عادی استنادی شاکی، با شخصی غیر از مالکین رسمی و اولیه اتومبیلها (شخصی که حسب پاسخ استعلام از پلیس راهور اتومبیلها بنام وی ثبت مالکیت شده) تنظیم شده است و بعبارتی ترتیب انتقال و تعاقب ایادی آن مجهول است. ثانیاً: اسناد وکالتی، مثبت مالکیت نیست و در نفس وکالت معتبر می باشند ثالثاً: هرچند دفاتر اسناد رسمی (دفاتر شماره ... تهران) به مجعول بودن اسناد وکالتی اظهار نظر کرده اند، ولیکن موکل وکالتنامه های مذکور اشخاصی غیر از شاکی می باشند و کیفیت جعل و خاصه چگونگی اطلاع جاعل از هویت موکلین وکالتنامه ها محل سوال و بررسی است که رفع این ابهام مستلزم ادعا یا دفاع از سوی موکل وکالتنامه های مذکور می باشد رابعاً: براساس وکالتنامه های مجعول مذکور، اسناد انتقال قطعی به اشخاص دیگری صادر و تنظیم شده است که با توجه به تکلیف قانونی در جهت رد اموال در فرض پذیرش وقوع بزه انتقال مال غیر، اظهار نظر به ابطال اسناد رسمی مذکور، خارج از صلاحیت این محکمه می باشد و بعبارتی دیگر، مقدمه و شرط لازم در صدور حکم به رد اموال به شاکی، احراز زوال مالکیت اشخاصی است که در حال حاضر، اتومبیلها بنام آنان ثبت مالکیت گردیده است. لذا بنا به مراتب و نظر به اینکه احراز مالکیت شاکی شرط اصلی و اولیه بررسی بزه انتقال مال غیر می باشد که همانطور که بیان شد، شاکی دلیل معتبر و رسمی در جهت اثبات مالکیت خود از یک سو و اثبات انتقال قانونی براساس مبیعه نامه های عادی از سوی دیگر، ارائه نداشته و اسناد عادی استنادی نیز بعنوان سند قطعی مثبت مالکیت ایشان، از نظر دادگاه معتبر نیست و مضافاً" بررسی بقاء و یا زوال اعتبار اسناد انتقال به مالکین و متصرفین فعلی اتومبیلها، مستلزم طرح ادعا یا دفاع از سوی شخصی یا اشخاصی است که اسناد در حال حاضر به نام ایشان ثبت گردیده است، لذا به کیفیت حاضر، پرونده معد اظهار نظر ماهوی نبوده و بر این اساس، مستنداً به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار اناطه صادر و اعلام تا شاکی و ذینفع ظرف مهلت یکماه از تاریخ قطعیت دادنامه یا ابلاغ دادنامه قطعی، به محکمه ذیصلاح حقوقی مراجعه و نسبت به اقامه دعوی یا دعاوی لازم (دعاوی ابطال اسناد انتقال بنام مالکین و متصرفین فعلی اتومبیلها و تنفیذ و تأیید مبیعه نامه های استنادی و الزام مالکین به تنظیم سند رسمی به نام ایشان) اقدام و گواهی طرح دعوی خود را به این محکمه ارائه نماید. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه های تجدیدنظر استان تهران میباشد.

رئیس شعبه ۱۰۷۲ دادگاه عمومی جزایی تهران - محسن زالی بوئینی

رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای ح. ر. دایر برجعل (سه فقره سند وکالت، به شماره های ۶۲۸۵ مورخه ۵/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران و شماره ۹۰۱۰۴۹ مورخه ۳/۱۲/۹۰ منتسب به دفترخانه ... تهران و شماره ۹۲۴۵۲ مورخه ۶/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره ... تهران) و انتقال مال غیر (سه دستگاه اتومبیل)، موضوع کیفر خواست شماره ۶۶۰۰۰۰۰۵۰۴۳۰۹۲۱ مورخ ۳۱/۲/۹۲ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک تهران. وکیل شاکی با استناد به چند برگ تصویر مبیعه نامه عادی و بشرح شکوائیه تقدیمی و اظهارات منعکس در صورتجلسه تحقیق و دادرسی، مضموناً بیان داشته «... موکل ایشان تعدادی اتومبیل از اشخاص حقیقی و حقوقی خریداری و آنها را جهت معرفی به



مشتریان و خریداران (بازاریابی) در اختیار متهم قرار داده است، ولیکن متهم ضمن خیانت در امانت، با جعل اسناد مبادرت به انتقال اتومبیلها به اشخاص دیگری نموده و بدین نحو مرتکب بزه های مذکور گردیده است...»؛ دادگاه نظر به مراتب و عنایت به تحقیقات معموله و گزارش مأمورین انتظامی، پاسخ استعلامات بعمل آمده از دفاتر اسناد رسمی که بر معجول بودن اسناد وکالتی به شماره های ۶۲۸۵ مورخه ۵/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره... تهران و شماره ۱۰۴۹ مورخه ۳/۱۲/۹۰ منتسب به دفترخانه... تهران و شماره ۹۲۴۵۲ مورخه ۶/۶/۹۰ منتسب به دفترخانه شماره... تهران دلالت دارد و با توجه به قرار مجرمیت و کیفر خواست صادره از ناحیه دادرسی و عنایت به احضار متهم از طریق نشر آگهی و عدم حضور وی در دادگاه و عدم ارسال لایحه دفاعیه و همچنین عدم اقدام به معرفی وکیل در جهت دفاع از اتهام انتسابی، با لحاظ عدم فقدان سمت شاکی مذکور در طرح شکایت بابت جعل اسناد و تکلیف دادرسی و این دادگاه به رسیدگی بلحاظ اعلام جرم و غالب بودن وصف عمومی بزه جعل و ضرورت رسیدگی به آن، بزه جعل اسناد را به مشارالیه محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به ماده ۵۳۲ و ۵۳۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، نامبرده را از حیث ارتکاب بزه جعل به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم می نماید. اما در خصوص اتهام دیگر مشارالیه دایر بر انتقال مال غیر، نظر به اینکه یکی از شرایط اصلی و بلکه اصلی ترین شرط تحقق بزه انتقال مال، احراز مالکیت مدعی و شاکی می باشد که در مانحن فیه، شاکی در جهت اثبات مالکیت خود صرفاً به چند فقره مبیعیه نامه عادی و وکالتنامه رسمی استناد نموده است که اولاً: مبیعیه نامه های عادی استنادی شاکی، با شخصی غیر از مالکین رسمی و اولیه اتومبیلها (شخصی که حسب پاسخ استعلام از پلیس راهور اتومبیلها بنام وی ثبت مالکیت شده) تنظیم شده است و عبارتی ترتیب انتقال و تعاقب ایادی آن مثبت انتقال قانونی به شاکی نیست. ثانیاً: اسناد وکالتی، مثبت مالکیت نیست و در نفس وکالت معتبر می باشند. لذا بنا به مراتب و نظر به اینکه احراز مالکیت شاکی شرط اصلی و اولیه بررسی بزه انتقال مال غیر می باشد که همانطور که بیان شد، شاکی دلیل معتبر و رسمی در جهت اثبات مالکیت خود از یک سو و اثبات انتقال قانونی براساس مبیعیه نامه های عادی از سوی دیگر به خود، ارائه نداشته و اسناد عادی استنادی نیز بعنوان سند قطعی مثبت مالکیت ایشان نمی باشد، لذا بنا به مراتب و بلحاظ عدم احراز وقوع بزه مذکور و مستنداً به بندالف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، حکم بر برائت مشارالیه صادر و اعلام میگردد. رأی صادره از حیث محکومیت متهم غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این محکمه و از حیث برائت ایشان ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه های تجدیدنظر استان تهران میباشد.

رئیس شعبه ۱۰۷۲ دادگاه عمومی جزایی تهران - محسن زالی بوئینی

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

تجدیدنظرخواهی آقای الف.م.م. بوکالت از آقای ح.س.ق. نسبت به آن بخش از دادنامه شماره ۰۰۶۷۴ مورخ ۹۳/۷/۱۴ صادره از شعبه ۱۰۷۳ دادگاه عمومی جزایی تهران که متعرض یک دستگاه خودرو سواری لکسوز نگردید و علت عدم توجه به ذکر خودرو یاد شده را تبیین ننموده بهمین جهت این دادگاه مواجه با تکلیف نیست ضمن ارائه طریق بر اقامه دعوی برای احقاق حق در محاکم حقوقی با استناد به ماده ۴۳۵ که مقرر داشته محاکم تجدیدنظر فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده رسیدگی میکنند در حالی که ما نحن فیه ذکری از آن در دادنامه بدوی نیامده فلذا قرار رد اعتراض صادر می گردد و اما تجدیدنظرخواهی آقای وکیل به آن قسمت از دادنامه مبنی بر اینکه چون تجدیدنظرخواه فاقد سند رسمی می باشد پس مالکیت او را احراز نکرده وارد بنظر می رسد زیرا نداشتن سند دال بر عدم مالکیت نیست زیرا در رویکرد به جامعه اقتصادی و بازاری و عرف جامعه بسیاری از معاملات و معادلات و داد و ستد بر حسب اعتماد طرفین بصورت قولنامه می باشد و در اوضاع فعلی جامعه با وجود لوازم الکترونیک و غیره بسیاری از معاملات بصورت تلفن و پیامک رد و بدل می گردد و سرعت زمان و تبدلات بنحوی شده که فرصت مراجعه طرفین به دفاتر اسناد و یا املاک و یا غیره را گرفته بفوریت میلیاردها معاملات تلفنی جایجا می گردد در حالی که نه سند وجود دارد و نه قولنامه عرف جامعه اینگونه شده است فلذا با شرح فوق اعتراض معترض در این بخش وارد است با پذیرش آن در اجرای ماده ۴۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری و اصلاح رأی بدین نحو که مالکیت تجدیدنظرخواه بر خودروهای احصاء شده محرز است دادنامه تجدیدنظرخواسته تایید می گردد. این رأی قطعی است.

شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار
سید محمد میراحمدی - محمدرضا فراهانی

رأی دادگاه تجدیدنظر استان